بسمه تعالی

خبرنامه الکترونیکی انجمن آموزش و پرورش تطبیقی

۱۴۰۲ CESIK خبرنامه بهار

خبرنامه الکترونیکی انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

معرفی اعضا

سردبیر

دکتر اکبر رهنما

شورای دبیران

دکتر محمدحسن میرزا محمدی

دکتر لیدا کاکیا

دکتر محمد آرمند

دکتر سید صاحب موسوی

دکتر داود میرزایی فر

دکتر عباس معدن دار آرانی

دبیران اجرایی

دکتر مجید خاری آرانی

دکتر امیرحسین سلطانی فلاح

مدیر داخلی و مسئول ICD و مسئول خبرنامه

دکتر مهدی میرزائی

همکار این شماره از خبرنامه

فاطمه حسنی آرا دانشجو علوم تربیتی

فهرست مطالب این شماره از خبرنامه

برنامه های سومین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی	۱
سخرانی های سومین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی	۳
خلاصه ای از سخرانی استاد جناب آقای دکتر محمود مهر محمدی	۴
نکوداشت استاد دکتر علی محمد الماسی	۱۰
اهدای رایگان فایل کتاب "به سوی مدرسه فردا"	۱۱
خلاصه ای از سخنرانی جناب آقای دکتر علی باقر طاهری نیا	۱۴
خلاصه ای از سخنرانی جناب آقای دکتر مصطفی جعفری	۱۷
خلاصه ای از سخنرانی سرکار خانم دکتر پری موسی پور	۲۰
خلاصه ای از سخنرانی جناب آقای دکتر حیدر تورانی	۲۲
خلاصه ای از سخنرانی جناب آقای دکتر محمد آرمند	۳۱
سخنرانی استاد فرزانه جناب آقای دکتر مقصود فراستخواه	۳۳
خلاصه ای از سخنرانی سرکار خانم دکتر پوران خروشی	۳۴
سخنرانی جناب آقای دکتر اکبر رهنما	۳۶
خلاصه ای از سخنرانی دکتر عباس معدن دار	۳۹
خلاصه ای از سخنرانی استاد جناب آقای دکتر مصطفی تبریزی	۴۴

باسمه تعالی

خبرنامه الکترونیکی انجمن آموزش و پرورش تطبیقی

۱۴۰۲
CESIR
خبرنامه بهار

برنامه های سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی

سلام و صبح آدینه بخیر

بدینوسیله برنامه های متنوع سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی که از ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخه ۲۷ اردیبهشت ماه سال جاری در مجموعه آموزشی - پژوهشی امام علی(ع) دانشگاه فرهنگیان پردیس بابلسر آغاز می گردد به سمع و نظر کلیه سخنرانان ، نویسندگان و تطبیق گران عزیز می رسد. از کلیه سخنرانان و شرکت کنندگان بزرگوار خواهشمندیم با عنایت به فشردگی برنامه های کنفرانس ، تمهیدات لازم را برای حضور به موقع در محل کنفرانس پیش بینی نمایند. برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت کنفرانس به آدرس زیر مراجعه نمایید :

conference.cesir.ir

هم چنین سوالات احتمالی خویش را به ایمیل زیر ارسال فرمایید.

https://mail.google.com/mail/u/0/

سلامت و شادکام باشید

دبیرخانه کنفرانس

سخنرانی های سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی

در کمال خوشحالی به اطلاع کلیه تطبیق گران ، پژوهشگران ، و علاقمندان تعلیم و تربیت می رسانیم سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه مورخه ۲۸- ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ در مرکز آموزشی امام علی (ع) دانشگاه فرهنگیان بابلسر با حضور استادان بزرگوار و بیش از ۲۰۰ شرکت کننده با ارائه مقالات علمی ، نکوداشت استاد دکتر علی محمد الماسی و اکران فیلم مشق امشب همراه با جلسه سخنران و پرسش و پاسخ برگزار گردید. هیات مدیره انجمن آموزش و پرورش تطبیقی در راستای اشاعه دانش تطبیقی در حوزه مطالعات آموزش و پرورش خلاصه ای از سخنرانی های این کنفرانس را همراه با تصاویر مرتبط در فضای مجازی پخش و به سمع و نظر همه علاقمندان خواهد رساند. هم چنین فایل مقالات کنفرانس در طی دو ماه آینده در سایت انجمن بارگزاری خواهد شد.

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

خلاصه ای از سخنرانی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمود مهر محمدی

خلاصه ای از سخنرانی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمود مهر محمدی در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی- بابلسر ، اردیبهشت ۱۴۰۲

عنوان: فضیلت معلمی در چارچوب "نظام یادگیری رسمی/مدرسه‌ای"؛ کدام نظریه اخلاقی در کدام نظام آموزشی؟

- سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش‌وپرورش تطبیقی
- ۲۸-۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲
- دانشگاه فرهنگیان، مرکز امام علی، بابلسر

مقدمه:

پیشنهاد بحث درباره اخلاق و معلمی از سوی استاد ژاپنی (موریتا) مطرح شده است. احتمالا منظور ایشان بحث درباره کفایت‌های اخلاقی معلم در فرهنگ‌های مختلف یا بحثی در حوزه اخلاق حرفه‌ای با طعم میان فرهنگی بوده است یعنی.

Ethics of teaching

اما پردازش من از بحث چیز دیگری است که در سطح فلسفه اخلاق به تبیین رسالت معلم می‌پردازد.

سوال اصلی این است که با فرض مطلوبیت و مشروعیت و مقبولیت اهداف یادگیری (گرچه در جوامع مختلف سطح آن یکسان نیست، اما فرض بحث من مطلوبیت و مشروعیت و مقبولیت اهداف مصرح یادگیری است) آیا معلم در قبال یادگیری رسمی یا دستیابی دانش آموزان به اهداف مصرح نظام آموزشی مسئولیت دارد و باید در قبال آن پاسخگو باشد؟

این‌طور هم قابل صورتبندی است: آیا معلمی را می‌توان تلاش برای تحقق رخداد یادگیری در دانش آموزان تعریف کرد، یا باید ان را وابسته به تحقق رخداد یادگیری دانست؟

Learner sensitive vs. Learning dependent?

این پرسش از مباحث مهم فلسفی حوزه معلمی است و بیشتر به فلسفه اخلاق معلمی مربوط می‌شود که بر پایه آن می‌توان فضل و فضیلت یا درجه "خوب و با کیفیت بودن" معلم را تعیین کرد. ردپای این بحث را در منابع بین‌المللی می‌توان یافت. شاخص‌ترین چهره‌هایی که در این حوزه قلم زده‌اند اقای گری فنسترماخر استاد دانشگاه میشیگان و خانم ویرجینیا ریچاردسون هستند.

On making determinat

چرا ورود به این بحث برای من موضوعیت پیدا کرده و نسبت به آن حساس شده‌ام در ادامه روشن خواهد شد و همچنین تناسب بحث با مطالعات تطبیقی هم در خلال بحث آشکار می‌شود.

دو نظریه یا روایت معارض درباره فلسفه معلمی وجود دارد که تقریبا موازی دو فلسفه عام اخلاق است. فلسفه وظیفه‌گرا و فلسفه نتیجه‌گرا.

در ساحت پداگوژی، وظیفه‌گرایی معلم را در قبال یادگیری دانش‌آموزان پاسخگو و مسئول نمی‌داند و نتیجه‌گرایی پاسخگو و مسئول می‌داند. در اولی تدریس خوب و با کیفیت می‌تواند اتفاق افتاده باشد بدون این‌که نشان از یادگیری وجود داشته باشد. اما در دومی تدریسی خوب و با کیفیت تلقی می‌شود که منجر به یادگیری شده باشد.

روشن است که در وظیفه گرایی قصد یاددادن از سوی معلم وجود دارد و اسباب و شرایط آن‌هم فراهم می‌شود. اما مسئولیت تحقق این قصد منحصرا بر عهده او نیست. چون به موازات teaching به چیزی به نام studenting یا دانش_جویی یا طلب دانش و معرفت نیاز هست. اگر دومی اتفاق نیفتاده باشد، اولی به نتیجه نمی‌رسد و البته دانش_جویی در اختیار معلم نیست. مثال نسبت تدریس با یادگیری؟ شرکت در مسابقه و نسبت آن با برنده شدن... رابطه ضروری و علت و معلولی نیست. رابطه هستی‌شناسانه است. شاهد از ادبیات؟ "تا که از جانب معشوق نباشد کششی/ کوشش عاشق بیچاره به جائی نرسد."(حافظ)"

در نتیجه گرایی اما قصد یاددادن اگر به یادگیری منتهی نشود، فعل معلمی کماهوحقه صرف نشده. معلم در قبال یادگیری پاسخگو است و یادگیری معتبرترین ملاک سنجش کیفیت عملکرد اوست. اگر یادگیری اتفاق نیفتد، تدریس خوب اتفاق نیفتاده. رابطه میان این دو از نوع ضروری و علت‌و معلولی است. مثال نسبت تدریس

با یادگیری؟ نسبت فروش با خرید. شاهد از ادبیات؟ "حرف(درس) معلم ار بود زمزمه محبتی/جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را"(حافظ)

باور به هرکدام از این دو روایت، نظریه یا فلسفه اخلاق در عالم پداگوژی آثار و پیامدهای رفتاری گسترده‌ای برای معلم دارد. در نظام‌های آموزشی بسته به این‌که روایت وظیفه‌گرا یا نتیجه‌گرا سیاست رسمی باشد، معلم زیست حرفه‌ای متفاوتی را تجربه می‌کند، اصولا این دو معلم در عوالم مختلفی زندگی کنند. پس مهم است که نظام‌های آموزشی برای فلسفه اخلاق پداگوژی تعیین تکلیف کنند و فلسفه اخلاق مرجح یا منتخب داشته باشد. معلم هم در مقیاس فردی باید فهم روشنی از روایت‌های موجود درباره معلم خوب و اخلاقی بودن داشته باشد و پاسخ روشنی هم به آن داده باشد. وگرنه در معرض خطر سردرگمی و روان پریشی حرفه‌ای قرار خواهد گرفت. چون برای پرسش "من چگونه معلمی هستم؟" پاسخ صریح و شفافی ندارد. اگر سیاست نظام‌های آموزشی هم با گرایش شخصی معلم سازگار نباشد، داستان روان پریشی و به خطر افتادن سلامت روان برای معلم ادامه خواهد یافت.

واقعیت این است که هر یک از این دو نظریه یا روایت از معلم خوب و با کیفیت هم حامل بخشی از حقیقت هستند که در مقام قضاوت کلان(توسط نظام آموزشی) یا خرد(توسط معلم) به راحتی نمی‌توان از هیچکدام دست شست. پس راه‌حل چیست؟ سلامت و امنیت روان معلمان با اتخاذ کدام سیاست در سطح کلان و کدام موضع فردی قابل تامین است؟ اینجاست که ارائه یک موضع بینابینی یا سنتزی منسجم از این کثرت که آن را به وحدت تبدیل کند اهمیت حیاتی پیدا می‌کند. اهمیت این بحث از نظر شخص برای من در کوششی است که در تبیین یک روایت سوم از معلم خوب و با کیفیت داشته‌ام.

اسمش را نظریه خاکستری یا فازی گذاشته‌ام. ایده این است که با تبیین دو سطح(حداقلی و حداکثری) از هر یک از دو فلسفه وظیفه‌گرا و نتیجه‌گرا می‌توانیم این پیوند و اتحاد بین دو نظریه معارض را برقرار کنیم یا از آن‌ها رفع تعارض کنیم. گزاره کلیدی برامده از تبیین حداقلی و حداکثری از هریک از دو فلسفه اخلاق معلمی تکلیف‌گرا و نتیجه‌گرا چیست؟ اگر این دو نظریه با تبیین‌های حداقلی متعارض و متباین هستند، با تبیین‌های حداکثری امکان اتحاد و رفع تعارض کاملا وجود دارد. یعنی وظیفه‌گرایی حداکثری و نتیجه‌گرایی حداکثری معانی و استلزامات یکسانی دارند و لازم نیست این یا آن را به قیمت حذف یکی، چه در سطح کلان یا در سطح خرد، انتخاب کرد.

توضیح دو سطح حداقلی و حداکثری:

نگاه حداقلی و حداکثری وظیفه‌گرا چیست؟ نگاه حداقلی همان نگاه خطرناک رفع تکلیفی یا اسقاط وظیفه معلم در پناه وظیفه‌گرایی است. اما وظیفه‌گرایی حداکثری نشان دادن اوج حساسیت و دغدغه برای یادگیرنده و خلق شرایطی است که شانس یادگیری را به حداکثر می‌رساند. معلم برای ایفای چنین نقشی باید از طیف کفایت‌ها و شایستگی‌ها بهره‌مند باشد و آن‌ها به‌کار ببندد.

نگاه حداقلی و حداکثری نتیجه‌گرا چیست؟ نتیجه‌گرایی حداقلی همان تحقق یادگیری‌های خُرد در حوزه یادگیری مورد نظر است که می‌تواند سطحی و تهی از معنا برای یادگیرنده باشد. برای نتیجه‌گرایی حداکثری کسب "تجارب یادگیری" سازنده و ماندگار خواه از نوع خرد موضوعی یا اهداف فراموضوعی(اعتماد به نفس، تاب‌آوری و پذیرش شکست، حس مسئولیت اجتماعی، روحیه پرسشگری و نقد) از مجرای حضور در کلاس درس ملاک موفقیت و کیفیت است.

نظریه خاکستری یا فازی به‌عنوان تلاش تئوریک متواضعانه‌ای در جهت تبدیل "دوگانه" به "یگانه"

چه می‌گوید؟ گزاره کلیدی ان چیست؟

این‌که 《روایت حداکثری وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی امکان هم‌زیستی دارند.》 یعنی روایت وظیفه‌گرایی حداکثری الزاما با روایت نتیجه‌گرایی حداکثری همراه و سازگار است. یا شکلی و سطحی از تجارب فاخر یادگیری لاجرم از تلاش حداکثری معلم حاصل می‌شود. نتیجه‌گرایی هم در روایت حداکثری چون متصور نیست فراتر از وظیفه‌گرایی حداکثری کنشی از سوی معلم را بتوان انتظار داشت ، با وظیفه‌گرایی حداکثری در توافق و همراه است.

جمع بندی و نسبت بحث با حوزه تطبیقی:

بحث امروز من که از جنس تحلیلی و فلسفی است می‌تواند راه را برای مطالعات تطبیقی خاصی بگشاید تا بر این مناقشه فلسفی نور تطبیقی نیز تابانده شده و به سیاستگذاران در وضع سیاست‌های سنجیده کمک کند.

فرضیه من در چنین بررسی‌های تطبیقی این است که 《در کنار عوامل دیگر، یکی از عوامل موفقیت در نظام‌های آموزشی پیشرو خلاص کردن معلمان از دوگانه وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی و در نتیجه تامین امنیت و سلامت روان حرفه‌ای انان با اتخاذ سیاست همسو با نظریه خاکستری یا نظریه فازی از معلم خوب و با فضیلت است.》

نکوداشت استاد دکتر علی محمد الماسی

نکوداشت استاد دکتر علی محمد الماسی - دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی و پیشکسوت در حوزه مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش

دکتر الماسی در اصفهان متولد و تحصیلات اولیه خویش را در این شهر به اتمام رساند. او سپس برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. هم چنین پس از بازگشت به ایران برای بیش از سی سال در دانشگاه علامه طباطبایی و سایر مجامع علمی به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. یکی از معروف ترین آثار وی تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام می باشد. در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی آقایان دکتر علیرضا صادقی ، دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر سعید فرح بخش ، دانشیار دانشگاه لرستان و آقای دکتر فداکار در خصوص ویژگی های علمی و شخصیتی دکتر الماسی مطالبی را به سمع و نظر حضار رسانند. هم چنین آخرین کتاب دکتر الماسی که با همکاری دانشجوی سابق خویش سرکار خانم دکتر لیدا کاکیا تحت عنوان " تمدن اسلامی و تاریخ آموزش : تحلیل تطبیقی " تهیه و توسط انتشارات رشد به زیور طبع آراسته گردیده است ، رونمایی و نسخه ای از آن به همه حضار تقدیم گردید. سپس لوح تقدیر از سوی انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران و دانشگاه علامه طباطبایی به ایشان به پاس خدمات ارزشمند به نظام تعلیم و تربیت ایران تقدیم گردید.

اهدای رایگان فایل کتاب

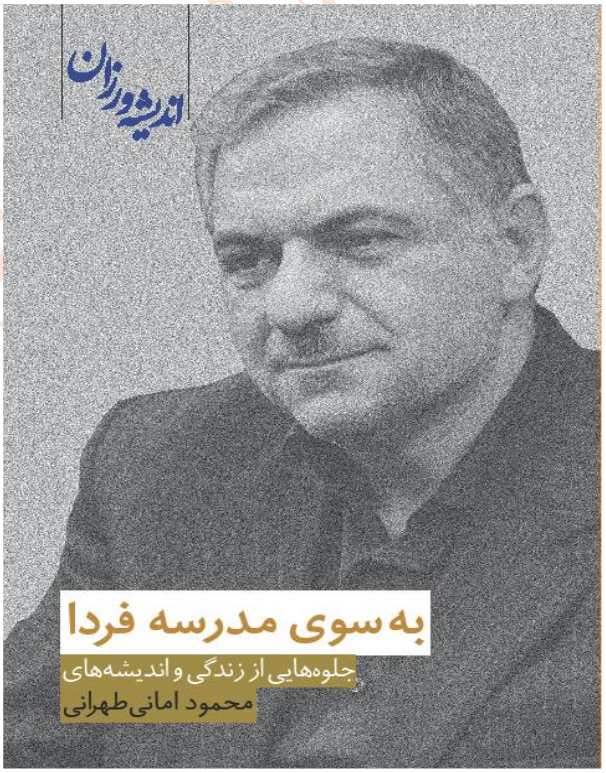

درود فراوان

یکی از چالش های نظام تصمیم گیری و برنامه ریزی آموزشی در ایران ، قلت مدیرانی است که علاوه بر شناخت عمیق از فرهنگ ایران ، آگاهی نسبتا جامع از تحولات جهانی در سایر کشورها داشته باشند . دکتر محمود امانی طهرانی ، دبیرکل محترم شورای‌عالی آموزش و پرورش استثنایی بر این قاعده است. او که کسب علم و تجربه را از کلاس های مدارس شروع کرده فرصت آن را نیز یافته که در کلاس ها ، کارگاه ها و کنفرانس های جهانی نیز از دیگران بیاموزد و تلفیقی از تجربه بومی با بینش جهانی را برای خویش فراهم ســـازد. اینک او این نگاه محلی/ جهانی را در کتاب ارزشــمند " به ســوی مدرســه فردا " در اختیار علاقه مندان به تعلیم و تربیت ایران قرار داده است.

اعضای هیات مدیره انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران از بدو تاسیس ، این سعادت را داشته اند که از علم ، دانش، تجربه و هم چنین لطف و بزرگواری دبیران کل شـــورای‌عالی آموزش و پرورش مســـتفیض گردند. در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی(دانشگاه فرهنگیان - بابلسر ۲۸- ۲۷ اردیبهشت)، جناب آقای دکتر امانی طهرانی علاوه بر سخنرانی عالمانه در خصوص "نقش تجارب بین المللی در آموزش علوم تجربی ایران " ، نسخه ای از کتاب خویش را به همه اعضای انجمن هدیه نمودند.

کتاب " به سوی مدرسه فردا : جلوه هایی از زندگی و اندیشه های دکتر محمود امانی طهرانی " در ۴۶۴ صفحه توسط شرکت سهامی افست در سال ۱۴۰۰ به زیور طبع آراسته گردیده است. ما خواندن این اثر ارزشمند را به همه دوستداران تعلیم و تربیت ایران توصیه می نماییم. هم چنین اینجانب به نمایندگی از اعضای هیات مدیره انجمن صمیمانه از همکاری های بی شائبه جناب آقای دکتر امانی تشکر و قدردانی می نمایم .

اکبر رهنما

رئیس انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

خلاصه سخنرانی جناب آقای دکتر علی باقر طاهری نیا

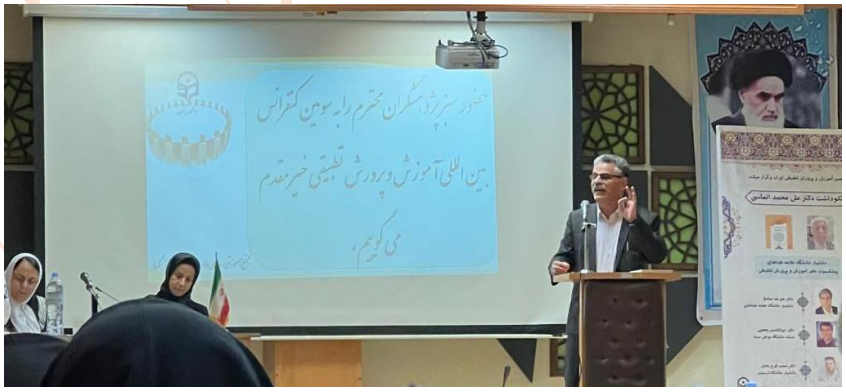

خلاصه سخنرانی جناب آقای دکتر علی باقر طاهری نیا - رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی

۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲- دانشگاه فرهنگیان بابلسر

انعطاف پذیری فصل ممیز نظام های آموزشی آینده

تاریخ و تجربه زیسته بشر در گذر زمان ویژگی های برجسته و سنت های ثابتی داشته است . دو ویژگی برجسته در این تجربه زیسته، تغییر در زمانی و تنوع همزمانی می باشند. تغییر در گذر اعصار با شتاب و پیچیدگی متفاوت ولی توقف ناپذیر ادامه داشته است . با این وجود در عصر کنونی به مرحله ای رسیده که باید برای آن واژه جایگزین مناسب تری پیدا کرد. تنوع مبین قاعده و منطق حاکم بر روابط بین اجزا عناصر متکثر عالم هستی است و درک خلقت جز از طریق درک‌تنوع قطعات و اجرا آن تکمیل نمی گردد. پدیده تغییر بر دو مقوله مهم نیازها و ذائقه ها استوار است و این نیازها و القاها می تواند واقعی یا القایی باشد .

به استناد همین دو عنصر مهم یعنی تغییر و تنوع، نظام اموزشی کارامد لزوما باید منعطف باشد و از این طریق توان اتخاذ ارایش و تاکتیک های مختلف را داشته باشد. اصل انعطاف پذیری هم در سطح فرد هم فرایند و هم سازمان مورد نظر است.

نظام های آموزشی و بویژه آموزش عالی در زمانه کنونی تمرکز خود را بر تنوع نهاده اند، تنوع نظام و زیر نظام‌ها، رشته‌ها، فراگیران، برنامه ها و تقاضا ها. فصل ممیز نظام های آموزشی آینده خواهد بود .

بر بنیان این مقدمه منطقی می توان هوشمندی را به معنای بهره گیری از داده ها برای بهبود کیفیت آموزش و افزایش اثرات آن به شمار آورد.

در این روند و از منظر تطبیق ، انعطاف پذیری آموزش شـــامل توجه به نیازها و ســـطح ادراک یادگیرندگان ، دسترسی سریع و آسان به منابع یادگیری ، تنوع زمانی و مکانی ، فراگیر محوری و توجه به تحولات سازمانی به منزله پیامد فهم تغییرات پیرامونی و محیطی می گردد.

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

خلاصه ای از سخنرانی جناب آقای دکتر مصطفی جعفری

خلاصه ای از سخنرانی جناب آقای دکتر مصطفی جعفری، معاونت محترم اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران تحت عنوان " بنیاد دیپلماسی آموزشی نظام جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان " در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی- دانشگاه فرهنگیان بابلسر ، ۲۸ اردیبهشت من در ابتدا توجه اساتید حاضر در جلسه را به بیانات مقام معظم رهبری که در ۱۲ اردیبهشت سال جاری در جمع همکاران فرهنگی مطرح شد جلب می نمایم. ایشان فرمودند که نظام آموزشی ما با نیاز های واقعی کشور انطباق ندارد. یکی از وظایف این کنفرانس همین است.می توان در واقع با بررسی نظام آموزشی کشور های موفق به اهمیت این جمله مقام معظم رهبری پی برد. یکی از اهداف طرح دیپلماسی اموزشی همین است که در ادامه توضیح خواهم داد.

ما در استان مازندران طرح را آماده کردیم با عنوان امکان سنجی بنیاد دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی‌ایران با کشورهای جهان (با اولویت کشورهای همسایه). در ابتدا با شرکت های پژوهشی مرتبط برای تدوین طرح رایزنی شد و دلیل هزینه بالا و زمان زیاد پیشنهادی این شرکت ها، مورد پذیرش قرار نگرفت و تصمیم گرفته شد این طرح با استفاده از ظرفیت های نخبگان جامعه بزرگ آموزش و پرورش تدوین گردد. ضمن استفاده از ظرفیت نخبگان و کارشناسان استان(تیم ۱۲ نفری) با تشکیل جلسات و نشست های تخصصی فراوان و بعد از تهیه و تایید پروپزال اولیه، اقدام به تدوین طرح نموده است که طی ۴۵ روز در ۲۱۰ صفحه تدوین شد. در تدوین این طرح بالای ۵۰۰ مقاله مختلف فارسی و لاتین مورد ارزیابی و بسیاری از این مقالات مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به اینکه پیشینه داخلی مرتبط جهت تدوین این طرح وجود نداشته است لذا چارچوب ساختاری،مدل و کلیه جداول این طرح توسط مولفین و بر اساس اسناد موجود طراحی و تکمیل شده است.

در ادامه چهارچوب ساختاری طرح دیپلماسی آموزشی را ارائه می دهم . در ابتدا باید بگویم که کلمه دیپلماسی آموزشی یک کلمه کلی است و در واقع دیپلماسی تعلیم و تربیت می باشد و تمام اهداف دیپلماسی تعلیم و تربیت را در خود دارد.

بخش اول این طرح شامل کلیات و شامل مقدمه،بیان مسئله،چشم انداز،ماموریت،اهداف کلی و جزئی و اسناد بالادستی می باشد. در این طرح کلیه اسناد بالادستی اعم از قانون اساسی کشور، سند چشم انداز افق ۱۴۰۴، نقشه جامع علمی‌کشور، سند برنامه ششم توسعه، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و .... مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و اهداف جزئی موجود در طرح با توجه به ساحت های شش گانه سند تحول بنیادین در سه محور طراحی شد که شامل "محور های علمی و فناوری، اقتصادی و حرفه ای" ، "محور های فرهنگی و هنری، اعتقادی و مذهبی، سیاسی و اجتماعی" و "محور های زیستی و بدنی" بوده است.

باید گفت دیپلماسی آموزشی ، هنر برقراری ارتباط و تعاملات آموزشی بین کشور ها می باشد. بسیاری از سیاست مداران ، دیپلماسی آموزشی را مقدم بر دیپلماسی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می دانند.

در بخش دوم طرح مدل پیشنهادی توسعه دیپلماسی آموزشی کشور بر اساس چهار محور چرایی،چگونگی،ترتیبات نهادی و حوزه های عمل تدوین و طراحی شد که نقطه عطف این طرح بوده و چارچوب ساختاری و اجرایی این طرح را تبیین می کند.

در بخش سوم کشورهای جامعه هدف(۲۱ کشور) و کلیه اس‌تان های کشور با الویت استان هایی که مرز آبی یا زمینی مشترک با کشورهای همسایه هستند (۱۶ استان) تجزیه و تحلیل شدند. این تحلیل شامل معرفی کشور هدف و استان های مربوطه،، ساختار نظام آموزشی کشور هدف، ظرفیت ها و فرصت های کشور هدف و استان های همجوار در محورهای هفتگانه، جدول پیش بینی اشتراکات پیوند دهنده و.... بوده است. کشور های مطالعه شده در این طرح شامل کشور های همسایه(افغانستان، پاکستان، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عربستان، کویت، عمان، روسیه، ارمنستان و ترکیه) ،کشور های محور مقاومت(عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین) و دو کشور هند و چین بود.

در بخش چهارم این طرح تجزیه و تحلیل و پژوهش میدانی صورت گرفت. از تکنیک تحلیلswot و با استفاده از نظرات نخبگان و کارشناسان مرتبط جهت تعیین راهبرد(استراتژی) مناسب استفاده شد. مبتنی بر این استراتژی چند نمونه برنامه عملیاتی پیشنهادی در بخش پنجم طرح تدوین شد که شامل شاد چند زبانه،برگزرای المپیاد مهارتی و تاسیس هنرستان مشترک و بازارچه های کسب و کار دانش آموزی و همایش تبیین دیپلماسی آموزشی و تاثیر آن در توسعه پایدار کشور ها بوده است.

خلاصه سخنرانی سرکار خانم دکتر پری موسی پور

خلاصه سخنرانی سرکار خانم دکتر پری موسی پور - استادیار دانشگاه فرهنگیان گیلان در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی تحت عنوان " کاربست فناوری در آموزش جغرافیا دوره ابتدایی ایران، آلمان و ایالات متحده آمریکا در دوران کرونا و پساکرونا " ، ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ ، دانشگاه فرهنگیان- بابلسر

مقاله با مقدمه ای در خصوص اهمیت مطالعات تطبیقی در آموزش جغرافیا شروع می شود . در گام بعدی بر اهمیت آموزش علم جغرافیا - بویژه با توجه به بحران های زیست محیطی- در زمانه حاضر تاکید می گردد.

جغرافیا از طریق شناساندن محیط سهم عمده ای در اعتلای فرهنگ عمومی دارد و روش صحیح حفظ محیط و بهره برداری بهینه از آن را آموزش می دهد. به عبارت دیگر جغرافیا می کوشد به سوالات زیر پاسخ دهد

What,Where,Why,How,,When

و در نهایت به دنبال پاسخ این سوال است که چگونه باید از محیط بهره‌برداری کرد تا تعادل زیستی حفظ شود. برای نهادینه سازی فرهنگ حفظ محیط زیست ، آموزش باید از دوره ابتدایی - که مهم‌ترین مقطع در نظام آموزشی می باشد - انجام گیرد.

بر این اساس نویسنده حاضر تلاش نمود با کاربست رویکرد ناحیه ای جورج بردی به تعیین تفاوت‌ها و تشابهات کشورهای مورد مطالعه بپردازد.

در دوره پاندمی کرونا در آلمان به اهمیت فناوری ،ایجاد نوآوری های اموزشی و مواد اموزشی الکترونیکی توجه مضاعف معطوف گردید و استفاده از فناوری و نرم افزار های خاص جغرافیایی در دوران پاندمی اجباری بود.

در ایالات متحده امریکا تاکید بر برابری فرصت ها در بکارگیری مواد اموزشی الکترونیکی و فناوری پیشرفته در تمام نقاط کشور بود . هم چنین معلمان در آموزش جغرافیا از مدل یکپارچه فکری و برنامه ریزی موضوع محور و روش اکتشافی بهره گیری نمودند.

در ایران معلمان برای آموزش جغرافیا از نرم افزار یا روش خاصی استفاده ننموده و همچون سایر دروس از شبکه شاد و برخی از پلتفرم ها همچون ادوبی کانکت استفاده نمودند.

از منظر تطبیق می توان گفت آموزش جغرافیا در آلمان نسبت به امریکا و ایران از غنای بیشتری به لحاظ محتوا و پرورش قابلیت ها برخوردار بود.

خلاصه سخنرانی جناب آقای دکتر حیدر تورانی

خلاصه سخنرانی جناب آقای دکتر حیدر تورانی، استاد پژوهشگاه تعلیم و تربیت تحت عنوان " رهبری مدارس مبتنی بر شـــواهد مطالعات بزرگ مقیاس" در ســـومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ ، دانشگاه فرهنگیان- بابلسر

مقدمه

رهبری ضـعیف می‌تواند حتی عملکرد بهترین معلمان را تضـعیف نماید. در اغلب مواقع، معلمان و دانش‌آموزان ، قربانی مدارس معیوب هستند. رهبری اثربخش برای تمامی جنبه‌های آموزش‌وپرورش، امری محوری محسوب

می‌شود. حتی اگر معلمان، مدارس و برنامه‌های فوق‌العاده‌ای وجود داشته باشند، این رهبری کارآمد و اثربخش است که یک نظام آموزش‌وپرورش مطلوب می‌سازد. فرهنگ مدرسه، نشانگر رهبری کارآمد و اثربخش است. برای ایجاد محیطی که مؤسسات، معلمان، پژوهشگران و دیگر نوآوران بتوانند در کنار هم کار کنند، رهبری اثربخش از اهمیتی حیاتی برخوردار است. این نوع رهبران باید به افراد کمک کنند تا آنچه که نیازمند تغییر است را شناسایی نمایند، پشتیبانی و حمایت لازم را بسیج نموده و مسئولیت‌های رهبری را در کل سیستم توزیع نمایند. رهبران آموزشی لازم است بر منابع متمرکز شوند، ظرفیت‌سازی کنند، سازمان کاری را تغییر دهند و جو سیاستی درستی را باتوجه به سنجه‌های پاسخگویی به وجود آورند. عمدهٔ اتفاقات آموزشی در مدارس روی می‌دهند، جایی که رهبری آموزشی اهمیتی حیاتی پیدا می‌کند؛ بنابراین، پرورش رهبران آموزشی قابل از ویژگی‌های مهم نظام‌های آموزشی موفق است. در شانگهای به عنوان یکی از موفق‌ترین نظام‌های آموزشی، یک معاون مدرسه وقتی می‌تواند مدیر مدرسه شود که بتواند وضعیت یکی از مدارس بسیار ضعیف را تغییر و بهبود جدی ببخشد. در انگلستان، مدارس (رهبران مدرسه) باید نشان دهند قادر به ارتقاء آموزش در خارج از چهاردیواری خود هستند. رهبری آموزشی در مدارس یک فعالیت گروهی و تیمی توزیع شده است و به همین دلیل فقط مدیر مدرسه را شامل نمی‌شود. مدیر، معاونان، معلمان صاحب مسئولیت از جملهٔ تیم رهبری مدارس هستند.

سد واقعی در برابر اصلاحات آموزشی، اغلب نیروهای تابع محافظه‌کار نیستند بلکه مدیران و رهبران محافظه‌کاری هستند که بجای انطباق فعالیت و عمل آموزشی با جهان رو به تغییر، بیشتر به برنامهٔ درسی جاری چسبیده‌اند. زیرا بجای متقاعد ساختن اولیاء برای هزینه‌کرد مالی کارآمدتر و همینطور سرمایه‌گذاری بر روی حرفه‌ای‌سازی هر چه بیشتر معلمان، ماندن در ناحیهٔ امن و راحتی مانند کلاسهای کوچک بسیار راحت‌تر را ترجیح می‌دهند.

رهبری اثربخش، تقریباً برای قریب به اتفاق جنبه‌های مختلف آموزش و پرورش، امری اساسی و محوری تلقی می‌شود. حتی با وجود معلمان، مدارس و برنامه‌هایی عالی در هر نظام آموزشی، این رهبری اثربخش است که موجب تغییر سیستم می‌شود. غالباً انجام و پیگیری برنامه‌های منفرد برای نوآوری کافی نیستند. این برنامه‌ها نیستند که مهم هستند، بلکه این فرهنگ است که حائز اهمیت است. فرهنگ، نشانهٔ یک مدیریت اثربخش است. فرهنگ یعنی یادگیری سیستم، نوآوری در سطح سیستم، و همکاری هدفمندی که می‌تواند منجر به بهبود مستمر و در سطح کلان گردد. اهمیت رهبری سیستم که از جمله شامل توانایی مدیر برای ارتباط با مدیران دیگر و والدین است، نمی‌تواند مورد اغراق قرار گیرد. در بسیاری از نظام‌ها مدیران نه تنها تشویق می‌شوند تا رهبری را درون مدرسهٔ خود بلکه در ورای مدرسهٔ خویش نیز تمرین نمایند. شواهد پیمایش بین‌المللی تدریس و یادگیری (تالیس) سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی نشان می‌دهند که درصد بسیار کمی از مدیران به مشارکت در فعالیت‌های رهبری مانند ارائهٔ اطلاعات به والدین یا سرپرست دانش‌آموزان در مورد مدرسه و عملکرد دانش‌آموز یا همکاری با مدیران سایر مدارس در مورد وظایف کاری پرچالش مبادرت می‌کنند.

بحران آموزش و پرورشی که صرفنظر از افزایش سرمایه‌گذاری، شاهد نتایج و پیامدهای یکنواختی هستیم، در بحران رهبری تبلور پیدا می‌کند. رهبری اثربخش برای ایجاد محیطی که در آن مؤسسات، معلمان، پژوهشگران و سایر نوآوران بتوانند به عنوان افرادی متخصص در کنار هم کار کنند، از اهمیتی حیاتی برخوردار است. این نوع از رهبران باید به افراد در شناسایی اسباب تغییر کمک کنند، از آنها پشتیبانی و حمایت به عمل آورند و به همین ترتیب مسئولیت‌های رهبری را در سطح سیستم توزیع نمایند.

شواهد مطالعهٔ تالیس و پیزا برای رهبران آموزشی

شـــواهد مطالعهٔ تالیس و پیزا برای رهبران آموزشـــی پیش از هر چیز لازم اســـت بدانیم که در ســـنجش‌های بزرگ‌مقیاســـی مانند تالیس و پیزا چه فعالیت‌ها و اقداماتی به عنوان رهبری مدرســـه مورد مطالعه و پایش قرار می‌گیرند. فهرســـت این فعالیت‌ها به رهبران و مدیران مدارس کمک می‌کنند تا انتظارات از رهبری آنان روشـــن باشد.

یعنی مدیران مدارس بدانند که برای مدیریت مدارس مســـئولیت‌های مهم و اســـاســـی آنها چیســـت و چگونه این مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مرتبط با آنها موجب موفقیت مدرسه، رشد معلمان و دانش‌آموزان می‌شود. فعالیت‌های رهبری آموزشی در مدارس در مطالعهٔ تالیس سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی (۲۰۱۸) عبارتند از:

- همکاری با معلمان در حل مشکلات انضباطی کلاس‌ها
- کار بر روی یک برنامهٔ رشد حرفه‌ای و تخصصی برای مدرسه
- ارائهٔ بازخورد به معلمان بر اساس مشاهدات مدیریتی
- مشاهده (آبزرو کردن) آموزش معلمان در کلاس‌ها
- انجام اقداماتی به منظور کســب اطمینان از اینکه معلمان نســبت به بازده (پیامد) یادگیری دانش‌آموزان احساس مسئولیت می‌کنند.
- انجام اقداماتی به منظور اطمینان از اینکه معلمان نســـبت به بهبود و ارتقاء مهارتهای تدریس خود احساس مسئولیت داشته باشند.
- انجام اقداماتی به منظور پشتیبانی از همکاری بین معلمان به منظور رشد و توسعهٔ فعالیت‌های آموزشی و روشهای تدریس جدید
- بازنگری در شیوه‌های مدیریتی، اجرایی و گزارشهای مدرسه

- حل مشکلات مربوط به زمانبندی درسی در مدرسه
- اطلاع‌رسانی به والدین یا سرپرستان دانش‌آموز در رابطه با مدرسه و عملکرد دانش‌آموز
- همکاری با مدیران مدارس دیگر در مورد وظایف کاری چالش‌برانگیز

رهبرانی که خواهان تغییرات رو به جلو در نظام مدرسه‌ای خود هستند، باید بیش از دستور دادن، بدنبال تعهد و پایبندی معلمان و کارکنان به تغییرات باشند. باید چشم‌انداز و فهم مشترکی ایجاد شود و نسبت به اصلاحات نوعی مالکیت جمعی شکل بگیرد و حمایت کافی به منظور تبلور واقعی تغییر صورت گیرد. رهبران آموزشی در مدارس باید بر منابع، ظرفیت‌سازی، تغییر سازمان کاری و ایجاد جو سیاستی درست در رابطه با تدابیر پاسخگویی، تشویق نوآوری و توسعه متمرکز باشند. لازم است زمینه‌ای فراهم شود تا مدیران بتوانند موانع و بروکراسی‌های سلسله‌مراتبی که بر مؤسسات آموزشی حکمفرما هستند را کنار بگذارند.

مدارس لازم است کارآفرین و قابلیت سازگاری با شرایط جدید را داشته باشند، رهبران باید قادر به بسیج منابع انسانی، اجتماعی و مالی باشند و فضای مدیریتی باید به سمت نوآوری، تخصص و حرفه‌ای بودن حرکت کنند. رهبران آموزشی لازم است با بخشهای اجرایی و علمی ارتباطی قوی داشته باشند و با مدیران دولتی، کارآفرینان اجتماعی، مدیران تجاری و کسب و کارها، پژوهشگران و جامعه مدنی همکاری و مشارکت داشته باشند.

نکتهٔ حائز اهمیت این است که سیاست‌های آموزشی باید از مناقشهٔ اِعمال قدرت برای عدم تمرکز یا اختیارداری کامل و حداکثر تمرکز و عدم اختیار در نظام مدرسه‌ای دست بردارند. این موضوع می‌تواند ما را از این واقعیت دور سازد که چه جنبه‌ای از آموزش و پرورش در چه سطحی قابل مدیریت است (اشلایخر، ۲۰۱۸).

۱-۱. ایجاد فرهنگ همکاری در مدارس

۲-۱. تأثیر بازخورد و ارزیابی بر کار معلمان - در مطالعهٔ تالیس (۲۰۱۸) شش نوع بازخورد معرفی شده‌اند:

- مشاهدهٔ تدریس کلاسی معلم
- نتایج دانش‌آموزان در سطح کلاس و مدرسه
- نتایج بیرونی دانش‌آموزان (خارج از مدارس)
- سنجش دانش محتوایی معلم
- پاسخ دانش‌آموزان به نظرسنجی از آنها در مورد تدریس معلم
- خودارزیابی معلم از کار خود

۳-۱. بیشینه‌سازی تأثیر ارزیابی معلم

- بر طبق همین مطالعه پیامدهای ارزیابی رسمی معلمان شامل موارد زیر بوده‌اند:
- تدابیری به منظور ترمیم و اصلاح هر گونه ضعف در تدریس، از طریق بحث و گفتگو با معلم
- تدوین یک برنامهٔ رشد یا آموزش حرفه‌ای
- بکارگیری یک آموزشگر (منتور) برای کمک به معلم به منظور بهبود تدریس
- تغییر در مسئولیت‌های کاری معلم
- تغییر در احتمال پیشرفت شغلی معلم
- افزایش حقوق یا پرداختی به معلم یا امتیازات مالی
- محرومیت‌های مادی مانند کاهش پرداخت‌های سالیانه

البته از میان پیامدهای فوق، موارد اول تا سوم از بیشترین اقبال برخوردار بوده‌اند.

۴-۱. ایجاد جو مدرسه‌ای و کلاسی سودمند برای یادگیری و سلامت

هر فردی که به نحوی با آموزش و پرورش سروکار دارد بدنبال مدارسی است که جو کلاسی آن برای یادگیری دانش‌آموزان سازنده باشد و محیطی باشد که روابط بین دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه، مشوق رشد و سلامت کودکان و نوجوانان باشند. از یک طرف، در اغلب کشورها، عموماً مدارس محیط‌های امنی هستند و معلمان روابط خود با دانش‌آموزان را مثبت می‌دانند. باور معلمان نسبت به اهمیت سلامت دانش‌آموزان، از سال ۲۰۰۸ میلادی به بعد در اغلب کشورهای شرکت کننده در پیزا و تالیس، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است.

۵-۱. توانمندسازی نیروهای تدریس

افزون بر ساختارهای حمایتی محسوس و مشخص مورد استفاده در نظام‌های آموزشی و مدارس به منظور پشتیبانی از رشد حرفه‌ای پیوسته، طیفی از مؤلفه‌های نامحسوس نیز وجود دارند که به منظور توانمندسازی معلمان، رهبران مدارس و حمایت از جایگاه حرفه‌ای آنها طراحی شده‌اند. هدف این مؤلفه‌ها، پرورش حس پویایی و استقلال در بین متخصصان تعلیم و تربیت است. تالیس طیفی از شاخص‌های تصمیم‌گیری، توزیع رهبری و خودمختاری را تدوین کرده است که تا حدودی مؤلفه‌های نامحسوس فعالیت حرفه‌ای در آموزش و پرورش و فرصت‌های پیشرفت شغلی در تدریس را روشن می‌سازند.

۶-۱. مدارس و معلمان به منظور افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

- استفادهٔ حداکثری معلمان از زمان کلاسی برای آموزش
- توجه به رضایت شغلی معلمان:

• بهینه‌سازی گروهبندی کلاسی:

شـــواهد ســـنتز نظامدار دو دهه پژوهش در مورد تأثیر مدیران بر دانش‌آموزان و مدارس (مطالعهٔ لیندســـی و همکاران، ۲۰۲۱)

این مطالعه از ترکیب و تحلیل مطالعات مختلف در دو دهه گذشته، اقدامات و مداخلات مبتنی بر شواهد روشنی را برای رهبران و مدیران مدارس ارائه نموده است که ابعاد دقیق تری از اهمیت رهبری آموزشی در مدارس را فرا روی رهبران مدارس قرار می دهد.

۱-۲. انواع مهارتها و رفتارهای حمایتگر مدیران از یادگیری

نتایج این بخش از مباحث حاصل سنتز نظامدار دو دهه پژوهش در زمینهٔ تأثیر مدیران بر دانش‌آموزان و مدارس است که به وسیلهٔ گریسام، اگالیت و لیندسی (۲۰۲۱) منتشر شده است.

سه دسته از مهارت و تجربه و تخصص به رهبران مدارس در دستیابی به موفقیت کمک می‌کنند: (۱) مهارتها و تخصص در پشتیبانی از آموزش، (۲) مهارتها و تخصص در مدیریت و رشد افراد، و (۳) مهارتها و تخصص در مدیریت سازمانی

- مهارتها و تخصص در پشتیبانی از آموزش

رهبران آموزشی اثربخش در زمینهٔ آموزش با کیفیت تخصص دارند و همین امر آنها را قادر می‌سازد تا معلمان و کلاس‌ها را به شیوه‌ای سازنده یعنی با ارائهٔ بازخورد توأم با علاقه و توجه و همینطور راهنمایی‌کننده و هدایتگر به منظور بهبود تدریس و یادگیری مورد مشاهده و ارزشیابی قرار دهند. رهبران آموزشی باید به مهارتهایی چیره باشند تا آنها را توانمند سازد به معلمان بازخورد مؤثر و سازمان‌یافته‌ای با هدف برانگیختن آنها به اصلاح فعالیتها

و اقدامات‌شان بدهند. سرانجام، به منظور کسب اطمینان از مشارکت معلمان در فرصت‌های رشد حرفه‌ای با کیفیت، مدیران باید توانایی تشخیص ویژگی‌های دوره‌های پیشنهادی رشد حرفه‌ای تأثیرگذار یعنی چیزی که از آن با عنوان «یادگیری حرفه‌ای موزون و هماهنگ » یاد می‌شود، را داشته باشند.

- مهارتها و تخصص در مدیریت و رشد افراد

این مهارتها توضیح می‌دهند که مدیران با افراد درون و بیرون از مدرسه یعنی معلمان، کارکنان پشتیبان، والدین و کل جامعه چگونه باید به برقراری رابطه و تعامل بپردازند. این مهارتها گسترده هستند و در اینجا به سه مؤلفهٔ اصلی و مهم مستتر در ادبیات این بحث می‌پردازیم: توجه و اهمیت دادن ، ارتباط و اعتمادسازی . این سه مؤلفه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند.

پژوهشگران عنوان می‌کنند که توانایی مدیران برای ایجاد و نشان دادن حس توجه و اهمیت دادن به معلمان در محیط کار یک عامل مهم در رشد رابطهٔ مثبت است. مطالعات بر اهمیت ایجاد و حفظ محیط سالم و بالنده به وسیلهٔ مدیران تأکید دارند. رهبری مدیری که به دیگران توجه دارد و اهمیت می‌دهد با افزایش پشتیبانی دانش‌آموز و حس مسئولیت‌پذیری جمعی معلمان همراه است.

توانایی برقراری ارتباط مؤثر، مهارت دیگری است که مدیران به منظور ایجاد روابط بین‌فردی و تأثیرگذاری مثبت بر نتایج و بازده مدرسه، بدان نیازمند هستند. در مدارس پرچالش، ارتباط به عنوان یک مؤلفهٔ اساسی برای رشد افراد مطرح شده است. مدیران موفق با نیروهای خود ارتباط هدفمند برقرار می‌سازند و با استفاده از راهبردهایی مانند سیاست‌های «درهای باز»، ارسال ایمیل هفتگی حاوی اطلاعات مورد نیاز کارکنان و توجه و اهمیت به

همکاری کارکنان، و در صـــورت لازم آمادگی برای انجام گفتگوهای چالش‌برانگیز با کارکنان، با آنها ارتباط هدفمند برقرار می‌نمایند. ارتباط مؤثر می‌تواند انتظارات مشـــترکی به وجود آورد که پیش‌بینی کنندهٔ رضـــایت معلم، همبستگی، و تعهد به مدرسه شود. ارتباط مؤثر با خانواده‌ها برای افزایش مشارکت والدین ضروری است که این امر با افزایش بالای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز همراه است.

ایجاد اعتماد، مهارت مهم دیگر مدیران اســـت. در یک مطالعه، اعتماد جمعی یعنی اعتماد در میان مدیران، معلمان و دانش‌آموزان با عملکرد تحصـیلی مدارس رابطهٔ مثبتی را نشـان داد. در مطالعه‌ای دیگر، معلمانی که در کار خود احساس اختیار و قدرت بیشتری می‌کردند، اعتماد بیشتری هم بین مدیر و معلم وجود داشت.

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

خلاصه سخنرانی جناب آقای دکتر محمد آرمند

خلاصه سخنرانی جناب آقای دکتر محمد آرمند، دانشیار سازمان سمت در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲۸ اردیبهشت ماه، دانشگاه فرهنگیان- بابلسر

بررسی تطبیقی برنامه درسی دوره تحصیلی ابتدایی بین ایران ، فرانسه، مالزی و فنلاند

در عصر جهانی‌شدن، فن‌آوری اطلاعات و هجوم شتابناک علوم و تجارب که روزگار رقابت تنگاتنگ جوامع بشری است، یگانه راه حضور مستمر و مؤثر درصحنه جهانی، ارتقاء کیفیت نظام آموزشی و تأکید بر اعتلای برنامه¬های آموزشی و درسی است. در سالهای اخیر گرایش پژوهشگران به انجام تحقیقات تطبیقی در حوزه مطالعات آموزش‌وپرورش روندی صعودی داشته است. یکی از علل اصلی این علاقه را می‌توان کسب آگاهی از وضع دیگر جوامع و نقش نظام‌های آموزشی درروند پیشرفت گسترده اجتماعی دانست. مطالعه و مقایسه آموزش و پرورش هر جامعه با جوامع دیگر، توانایی ما را برای حل مشکلات و معضلات مشابه افزایش می‌دهد. استفاده از تجارب جوامع مختلف در حل مشکلات آموزش‌وپرورش، منجر به کسب توانایی در رفع موانع و مشکلات آموزشی خود نیز می‌شود .

مقاله حاضر با نگاهی به پیشینه تحقیق آغاز می گردد. پژوهش های پاسالاری، عزیزی و غلامی (۱۴۰۱)؛ آرمند، شیخی و خسروی (۱۴۰۱)؛ حجازی و بختیاری (۱۳۹۷)؛ رحیم زاده و سلطانی (۱۳۹۷) میرزایی و بیات (۱۳۹۵)؛ میراجاکار و پاتیل (۲۰۱۳) همچنین التر ، هایس و اهارا (۲۰۰۹) با پژوهش در اهداف دارای شباهت هایی است .

در این پژوهش به ۴ سوال زیر پرداخته شد.

۱. اهداف برنامه درسی ابتدایی در کشورهای مورد مقایسه چیست؟

. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در اهداف برنامه درسی ابتدایی کشورهای مورد مقایسه وجود دارد؟

۲. محتوای برنامه درسی ابتدایی در کشورهای مورد مطالعه چیست؟ چه شباهتها و تفاوتهایی در زمینه محتوای برنامه درسی ابتدایی، در کشورهای مورد مطالعه وجود دارد؟

۳ روش‌های یاددهی یادگیری در برنامه درسی ابتدایی در کشورهای مورد مقایسه چیست؟

. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در روش‌های یادهی یادگیری در برنامه درسی ابتدایی کشورهای مورد مقایسه وجود دارد؟

۴- ارزشیابی در برنامه درسی ابتدایی در کشورهای مورد مقایسه چیست؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در ارزشیابی در برنامه درسی ابتدایی کشورهای مورد مقایسه وجود دارد؟

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

سخنرانی استاد فرزانه جناب آقای دکتر مقصود فراستخواه

سخنرانی استاد فرزانه جناب آقای دکتر مقصود فراستخواه تحت عنوان "رنسانس ناتمام آموزشی در ایران معاصر با تاکید بر مساعی کنشگران مرزی برای اقتباس و تطبیق بین المللی " در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی، دانشگاه فرهنگیان- بابلسر ، ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

دانشگاه فرهنگیان

سومین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش تطبیقی
۲۸-۲۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲
دانشگاه فرهنگیان، پردیس بابلسر
Third International Conference on Comparative Education
(May 17-19, 2023)
Farhangian University, Babolsar, Iran

رنسانس ناتمام آموزشی ما
کنشگران مرزی و ساختن نظام مدرن آموزشی در ایران
با اقتباس و تطبیق بین المللی

مقصود فراستخواه
مؤسسه پژوهش وبرنامه ریزی آموزش عالی

1

خلاصه سخنرانی سرکار خانم دکتر پوران خروشی

خلاصه سخنرانی سرکار خانم دکتر پوران خروشی ، عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان تحت عنوان " مدرسه تعطیل ، اما کلاس ها برقرار : آموزش مجازی مدارس چین در دوره پاندمی کرونا و پیامدهای اجرای این رویکرد " در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی، دانشگاه فرهنگیان، ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

با شیوع کووید-۱۹، دولت چین یک اقدام اضطراری به نام «مدرسه تعطیل، اما کلاس¬ها برقرار»، به¬منظور ادامه فعالیت‌های آموزشی مدارس در این دوره خاص، به¬شیوه مجازی راه‌اندازی کرد. این شیوه با هدف یکپارچه¬سازی منابع ملی و برنامه¬ریزی در سطح عالی، تربیت معلمان و توانمندسازی مقامات محلی و مدارس برای انجام آموزش مجازی مطابق با شرایط محلی اجرا گردید، اما مانند تمام روش‌های دیگر منجر به تغییراتی شد. در عین¬حال، ابهام و اختلاف¬نظر در مورد آنچه باید تدریس می¬شد، نحوه تدریس، حجم کاری معلمان و دانش¬آموزان، محیط آموزشی، و پیامدهای آن وجود داشت. لذا، پژوهش حاضر با قصد تبیین این رویکرد، به¬دنبال ترسیم تصویری دقیق و جامع از برنامه¬ریزی، اجرا، چالش-ها و پیامدهای آن در دوران پاندمی در مدارس کشور چین بوده است.

این پژوهش یک مطالعهٔ اسنادی است که به روش تحلیلی انجام شد. اطلاعات موردنیاز آن، با بررسی جدیدترین اسناد و مدارک از سایت¬های رسمی دانشگاه¬ها، آموزش¬ و پرورش، و بسیاری از مراکز علمی و آموزشی کشور چین جمع¬آوری شده است. تحلیل یافته¬ها نشان داد هر چند بهره¬وری از اینترنت و رایانه فرصت¬های خوبی را برای معلمان و دانش¬آموزان ایجاد کرده، اما چالش¬هائی درآن امکان¬ناپذیر است. این چالش¬ها شامل:«روش‌های تدریس معلمان، سبک¬های یادگیری دانش¬آموزان، نوآوری در منابع آموزشی و مدیریت

مدرسه» بوده است. پیامدهای حاصله شامل: شکسته شدن محدودیت زمان، مکان و محدودیت جریان منبع تدریس آفلاین از طریق آموزش مجازی، استفاده معلمان از منابع آموزشی الکترونیکی عظیم برای غنی‌سازی محتوای آموزشی، استفاده دانش‌آموزان از اینترنت برای انتخاب‌های یادگیری متنوع‌تر و شخصی‌تر، غنی¬شدن درک مردم از آموزش مجازی، استفاده از شبکه مجازی برای مدیریت مدرسه، و تبدیل تدریس مجازی از طریق اینترنت به یک سبک انتقادی از آموزش معلمان بوده است.

برای بهبود بیشتر سیاست¬گذاری در عمل، پیشنهاد می¬شود که دولت، بزرگراه اطلاعات آموزشی را بیشتر تقویت کند، معلمان و دانش‌آموزان به استانداردهای آموزش مجازی مجهز شوند، معلمان به¬طور منظم آموزش داده شوند، از تحقیقات دانشگاهی برای روشنگری رویکردهای آموزش مجازی مؤثر، به¬ویژه کمک به آموزش دانش¬آموزان با مشکلات یادگیری مجازی، حمایت شود و نتایج در برنامه¬ریزی¬ها به¬کار گرفته شوند.

سخنرانی جناب آقای دکتر اکبر رهنما

سخنرانی جناب آقای دکتر اکبر رهنما ، رئیس انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران در بزرگداشت استاد مرحوم دکتر شعبانی - خانه اندیشمندان

به نام خدا

اینجانب در سال ۱۳۷۲ و دوره دکتری در دانشگاه تربیت مدرس با مرحوم دکتر شعبانی آشنا شدم و همدوره بودیم. ایشان در آمریکا بودند و به دلایلی تحصیل خود را ناتمام گذاشته و به وطن بازگشتند لذا چون سنشان از ما بیشتر و تجربه بیشتری داشتند درس روش تدریس را در همه رشته ها تدریس می کردند و دانشجویان زیادی در دانشگاه های مختلف ایشان را می‌شناختند.

از ویژگی اساسی ایشان بشاشیت، خوش رویی ، نفوذ کلام و یک جذبه خاصی بود که به هر حال در روابط علمی و سخنرانی های خودشان ایجاد می کردند. در دوره ای دکترا هم ما خاطرات خوشی را با ایشان داشتیم و بخاطر کبر سن درخواست های خودمان را از طریق ایشان به اساتید میرساندیم .

ویژگی دیگر ایشـــان تفکر انتقادی بود که هرچیزی را به راحتی نمی‌پذیرفت و بر تامل و تفکر ورزی به شـــدت تاکید داشتند. به همین علت در نسخه جدید کتاب روش تدریس خیلی تاکید بر امر تفکر داشت. ویژگی دیگر، صـبوری و اسـتقامت مرحوم دکتر شـعبانی بود. باید اشـاره کنم به خاطراتی که خودشـان از سـختی های دوران کودکی داشـتند - در روسـتاهای رضـوان شـهر شـمال کن - و اینکه با چه سـختی هایی درس خوانده و به جایگاهی رسـیده بودند و رفت و برگشـت ایشـان در آمریکا و ادامه تحصـیل و پشـتکار و علاقه و انگیزه قوی که داشتند برای یادگیری- علی رغم بالا رفتن سن.

با توجه به نکاتی که به استحضار شما عزیزان رساندم می خواهم به این نکته مهم نیز اشاره کنم که چرا ما وقتی این اساتید زنده هستند به یاد آنها نیستیم و حتی می رویم اینور اونور گاهی پشت سرشون حرف می‌زنیم و در پی تخریب هم دیگر هسـتیم . در حالی که وقتی انها فوت می کنند ارزش و جایگاه آنها را میشـناسـیم .بیاییم و واقعا تعظیم و تکریم را داشته باشیم قبل از ترک این دنیای فانی.

این سنت نکوداشت را ما در انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران به عنوان یک هدف والا مورد توجه قرار داده ایم. در همین راستا نیز اخیرا نکوداشت استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علی محمد الماسی را همزمان با سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی در دانشگاه فرهنگیان- پردیس بابلسر - برگزار کردیم . این سنت که به همت خانه اندیشمندان علوم انسانی هم چنین انجام می گیرد باید برای سایر اساتید گرامی علوم تربیتی

نیز رخ دهد و اینگونه نباشد که قدردانی از انان صورت نپذیرد. در مقام مقایسه شما خود آگاهید اگر هنرمند یا ورزشکاری فوت نماید ، تبلیغات زیادی صورت گرفته و تاسف همگانی ایجاد می شود ولی یک شخصیت علمی این گونه باید غریبانه از میان ما برود.

آخرین نکته که باید به آن اشاره ای کنم اینکه از دید فیلسوفان اگزیستانسیالیسم ، تجربه مرگ چیزی است که هر شخص به صورت فردی با آن روبه رو می شود و یک تجربه منحصر به فرد است و لذا دیگران با گرفتن مراسم و این بحث ها نمی‌توانند در تجربه مرگ یک عزیز شرکت کنند. بنابراین ما اگر مراسمی هم میگیریم بیشتر برای تسکین و ارتقا همدلی انسانی خودمان هست . در عین حال گرفتن این نوع مراسم و تعظیم و تکریم یاد بود زمینه بسیار خوبی است برای قدردانی از علم و عالم، و جامعه ای پیشرفت و توسعه می یابد که جایگاه علم و عالم و تقدیر و تعظیم و تکریم علما و استادان به نام در آن جامعه، رواج داشته باشد.

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

خلاصه ای از سخنرانی دکتر عباس معدن دار

خلاصه ای از سخنرانی دکتر عباس معدن دار - دبیر سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی، تحت عنوان " نگاهی اجمالی به علل عدم موفقیت نظام آموزشی ایران در درس آموزی از اصلاحات بین‌المللی "، بابلسر ، ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

چرا مدیران نظام آموزشی ایران در درس آموزی از نظام های مدرن تربیتی موفق نبوده اند. این پرسش تازگی ندارد ولی پاسخ مدونی تاکنون برای آن ندیده ام. به نظر من پاره ای از علل مهم این عدم موفقیت در طی چهار دهه اخیر عبارتند از :

۱. وجود غلبه تفکرات و لندیشه های ایدئولوژیک محور کهنه : پیروزی انقلاب اسلامی در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی برای بسیاری از سیاستمداران ، مدیران ، برنامه ریزان و معلمان این فرصت را فراهم ساخت که تعلق

خاطر خود را به گروه های ایدئولوژیک گوناگون اعلام و ابراز نمایند. فضای انقلابی باعث شد که دست اندرکاران نظام سیاسی و تربیتی ایران گرایش و علاقه به ایدئولوژی ها ، مکاتب و تئوری های گوناگون همچون مارکسیسم ، کمونیسم ، مائوئیسم ، لیبرالیسم و اسلام انقلابی - در دو قالب کلی چپ و راست با گرایشات موافق و مخالف سرمایه داری و در لوای حمایت از شعارهایی همچون رفاه ، آزادی و عدالت اجتماعی - پیدا کنند . بدین ترتیب در طی چهار دهه اخیر شاهد حضور و وجود سیاستمداران ، وزیران ، برنامه ریزان ، مدیران و کارشناسانی بوده ایم که یا خواهان عدالت آموزشی هستند به بهای نابودی خلاقیت و آزادی و حداقل سازی مشارکت مردمی یا علاقمند به افزایش نقش سرمایه داری آزاد در نظام تعلیم و تربیت - با نادیده گرفتن حق برابر فرصت های آموزشی. کار این دو گروه در طی این چهار دهه اخیر عمدتا خنثی سازی و توقف اقدامات همدیگر ، نفی اقدامات قبلی و طبعا مبارزه آشکار و پنهان با علومی همچون آموزش و پرورش تطبیقی بوده است که مدعی است " درس را می توان از همه آموخت". از منظر آموزش و پرورش تطبیقی ، بزرگ ترین آفت نگاه ایدئولوژیک حرکت پاندولی "یک گام به جلو ، دو گام به عقب " در اجرای اصلاحات آموزشی است. مثال بارز این حرکت پاندولی را می توان در توسعه مدارس غیر دولتی در طی چهار دهه اخیر مشاهده کرد، حرکتی که با مانع تراشی از الگوبرداری از شیوه های موثر جهانی مشارکت باعث شده اند نقش مردم هر روز در نظام آموزشی کم رنگ تر و نقش منفی دیوان سالاری دولتی در آن پر رنگ تر شود.

۲. اقدامات فردی در فقدان نظام ساختاری منسجم و قوی : تاریخ اصلاحات آموزشی ایران – همچون اصلاحات در بسیاری از حوزه های اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی – عمدتا قائم به شایستگی ها ، بینش ، علم و تجربیات شخصی افراد است. مثال بارز آن اینکه ما هنوز در لابلای اوراق تاریخ آموزش و پرورش ایران در تلاش و جستجو برای یافتن افرادی همچون قائم مقام فراهانی ، امیرکبیر ، رشدیه ، میرهادی ، باغچه بان ، و صدیق

هستیم. بر این اساس ، اقدامات فردی سیاستمداران ، وزیران ، برنامه ریزان ، مدیران و کارشناسان هم اهمیت بیشتری پیدا می کند و هم تداوم و بقای همه برنامه ریزی ها و تصمیم ها منوط به وجود آنان است. تاریخ تعلیم و تربیت رسمی عمومی در چهار دهه اخیر ایران نشان می دهد که بسیاری از تصمیمات و برنامه های مثبت و منفی -با امد و رفت افراد - یک شبه ایجاد یا از بین رفته لند. نظام های آموزشی فرد- محور هیچگاه نمی توانند از علوم تطبیقی فیض ببرند چون پذیرش اصلاحات یا توقف روندها منوط به توانمندی ، حب و بغض و میل اشخاص است نه وجود یک ساختار سازمانی اصلاح گرای نهادینه شده . برای مثال ، تجربه یکی از وزرای پیشین آموزش و پرورش - دکتر علی اصغر فانی و معاونین وی ، منتشره در ۷ جلد کتاب با عنوان " اشاره " – مبین مجموعه ای از اقدامات فردی است که با آمدن وزرا و معاونین بعدی کند یا کلا متوقف شده لند. این مشکل به صورت دیگری نیز خود را پیش چشم ما جلوه می دهد و آن فقدان " ثبات مدیریت" است. بهره گیری و درس آموزی از دیگران روندی سریع ، جهشی و آنی نیست. لازمه درس آموزی ، صبر توام با ثبات در مدیریت برای پیگیری اصلاحات است. نظام های آموزشی رنجورعمدتا گرفتار عارضه " تغییر ناگهانی مدیران " هستند در حالی که درس آموزی برای اصلاحات آموزشی انقطاع در دو سطح مدیریتی و کارشناسی را بر نمی تابد.

۳. نگاه منفی به کسب تجارب بین المللی و فقدان ارتباطات ارکانیگی با مجامع جهانی : بنیان فکری علوم تطبیقی بر این اصل استوار است که می توان و باید از " دیگران " آموخت. کسانی که این باور را ندارند ، ایمانی به ضرورت وجودی علومی همچون علم آموزش و پرورش تطبیقی ندارند حتی اگر در ظاهر آن را بیان نکنند. شواهد تجربی و نوع تصمیم گیری ها مبین آن است که در طی چهار دهه گذشته ، عده ای از سیاستمداران ، وزیران ، برنامه ریزان ، مدیران و کارشناسان ذینفوذ در نظام آموزشی ایران با اعتقاد افراطی به راهبرد " نگاه به درون " و نفی ضرورت پذیرش همزمان رویکرد " نگاه به بیرون " ، نگرشی توام با شک ، بدبینی و منفی به

نظام‌های آموزشی پیشرو و هم چنین سازمان های بین المللی پیشگام در نوآوری های آموزشی - همچون یونیسف ، یونسکو ، ایسسکو و غیره - داشته اند.

حاکمیت نگاه منفی باعث می شود که نتوانیم بپذیریم تجارب بین المللی عامل رشد و توسعه ما هستند نه چوبی لای چرخ نظامی که به آن خو کرده ایم. کسب فیض از میوه درخت آموزش و پرورش تطبیقی منوط به وجود نگاه مثبت به فواید بسیار آن و تقویت ارتباطات بین المللی است. اگر ارتباطات قوی مثبت وجود نداشته باشد ، سرمایه گذاری ما برای توسعه نفوذ فرهنگ ایران در سایر جوامع - حتی جوامع در حال توسعه - نیز دچار

شکست می شود. اجازه دهید به یک مثال تلخ اشاره کنم. مدیر مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور در زمان وزارت دکتر فانی اعلام کرده است که وزارت آموزش و پرورش ایران در شارجه (امارات متحده عربی) بزرگ ترین مدرسه در تاریخ نظام آموزشی ایران را به مساحت ۳۳۰۰۰ متر مربع و با هزینه ۱۰۰ میلیارد تومان ساخت در حالی که حکومت شارجه اجازه افتتاح آن را نداد (بابالو ، ۱۴۰۰) . این شکست شاهد آشکاری بر فقدان ارتباطات قوی برای همکاری های بین المللی است. لذا در این روند ، نظام آموزشی ایران علاوه بر حاکمیت نسبی نگاه منفی به درس آموزی از دیگران ، دچار سه چالش اساسی دیگر است : اول ، فقدان ارتباطات قوی ارکانیگ با مجامع بین المللی. عضویت ظاهری ایران در مجامع بین المللی کفایت نمی کند. ایران باید بتواند با بهره گیری از کارشناسان قوی نقش موثری در تهیه ، تدوین ، و تصویب مصوبات سازمان های بین المللی ایفاء نماید تا بتواند از منابع انسانی ، مالی و سازمانی این مجامع به نفع دانش آموزان ایرانی استفاده کند. در حالی که ایران هر ساله حق عضویت خود را به سازمان های بین المللی می پردازد ، فقدان ارتباطات قوی نشان می دهد ما در حد زیادی از بهره گیری از منابع این مجامع – در مقایسه با کشورهایی همچون هند و چین – ضعیف عمل می کنیم. دوم ، علیرغم علاقه گسترده متخصصان علوم تربیتی به علم آموزش و پرورش تطبیقی ، این علم

فاقد ریشه های قوی آکادمیک و حرفه ای در ایران است. هم چنین در حالی که پیشگامی کسانی همچون عیسی صدیق در این علم مایه مباهات ایرانیان است ، فقدان این رشته در دوره های کارشناسی ارشد و دکترا مایه تعجب و تاسف است. تجربه بین المللی نشانگر توسعه کمی و کیفی علم آموزش و پرورش تطبیقی در بسیاری از دانشگاهها و موسسات پژوهشی کشورهای جهان است. فقدان نیروهای دارای تخصص در علم آموزش و پرورش تطبیقی ، فقدان دپارتمان های دانشگاهی و ضعف شدید منابع مالی برای حمایت از پژوهش های تطبیقی ، حضور اندک و کمرنگ اندیشمندان ایرانی در نشست ها و کنفرانس های بین المللی و فقدان منابع علمی کافی

به شدت باعث کاهش قدرت نظام آموزشی ایران در بهره گیری از تجارب بین المللی برای غلبه بر چالش های مشترک و درس آموزی از اصلاحات آموزشی دیگران شده است. آشکار است که در این مسیر ، شناخت ساختار سازمانی و چارچوبه های اصلی نظام های آموزشی ، یک گام اولیه ولی بنیانی است.

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

چکیده سخنرانی استاد فرزانه جناب آقای دکتر مصطفی تبریزی

چکیده سخنرانی استاد فرزانه جناب آقای دکتر مصطفی تبریزی تحت عنوان "چالش های سیستمی نظام آموزشی ایران" در سومین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش تطبیقی، ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲، دانشگاه فرهنگیان بابلسر

اگرچه مقایسه ی تطبیقی اموزش پرورش کشورهای مختلف جهان این امکان را فراهم می کند که شاخص های مطلوب را جذب و از آن بهره مند شویم،اما درصورتی به هدف پرورش انسان شکوفا نائل خواهد شد که ساختار سیستم اموزش پرورش ان را در خود مستحیل نکند.

درحال حاضرسیستم اموزش پرورش ایران و درون مایه ی انسانی ان دچار اختلال و از هم گسیختگی شخصیت است،ترکیبی از سه پدیده ی ازهم گسیختگی،از ریخت افتادگی و نابرابری و خروجی ان،افسردگی ،اضطراب،پرونده های بی شمار قضائی،خودکامگی در خانه وسطح خیابان وتصمیم گیرندگان حکومتی که با قامت کوتاه ایدئولوژی در آمیخته است و طبعا انتظار نمی رود اموزش به عنوان یک کنش عمیقا سیاسی ومدنی باشد وبه تازه کردن دائمی عدالت وآزادی وبلوغ شخصیتی وشکوفائی منجر شود.

مطالعه طولی این سیستم در چند ده سال اخیر افول مدیریتی را به وضوح فریاد می کند و از سطح عالی دکتر غلامحسین شکوهی، این بزرگ استاد خردمند، به سطح بسیار نازل مدیران کنونی جهت گیرد ونتیجه این که صندلی فاخر معلم جایش را به صندلی راننده ی آژانس ببخشاید. فقر عمومی جامعه در همین دوره موجب شده است تا هدف از اموزش تست زنی برای کنکور به منظور بهره مندی از شغل باشد وبحران هویت ملی وانسانی را تجربه کند و در یک کلام بر انگیخته باشد و نه خود انگیخته.

اختصاص کمترین بودجه به اموزش پرورش در مقایسه با سایر کشورها امکان توسعه ورشد را سلب کرده ودر عین حال بی قوارگی در اختصاص بودجه انقدر خنده دار وگریه اور است که شاهد فقدان مدرسه ومحیط آموزشی در اغلب نقاط محروم هستیم وشاهد محرومیت تحصیلی میلیونی ودر همین حال در کشورهای دیگر مدرسه سازی می کنیم. به عنوان نمونه مدرسه ای در شارجه به مساحت سی و سه هزارمتر و بودجه ی یکصد میلیارد تومان(زمان ریاست دکتر فانی).

این بی قوارگی سیستم آموزشی در محتوای کتابهای درسی نیز مشهود است وبا این که پژوهشهای مورد تایید اموزش پرورش نشان می دهد محتوای کتابهای تناسبی با میزان رشد ذهنی کودکان ندارد،هیچ اقدام اصلاحی صورت نمی گیرد.

پرداختن به عدالت آموزشی در این سیستم فقط به یک شوخی بسیار تلخ شباهت دارد .

این سیستم معیوب در ارتباط با سیستم های بزرگتر ونافذتر دیگری است که هدفشان پرورش!انسانهائی با رشد متعادل ویکپارچه با ویژگی های خلاقیت ومنتقد نیست،بلکه تولید سرباز دانش اموز است.

به دلیل ارتباط تنگاتنگ تمام سیستم های متعامل و پدیده های محصول سیستم اندر سیستم ،اندر سیستم است. هرگونه تغییری درسیستم اموزش پرورش مستلزم تغییر در دیگر سیستم هاست.

سیستم کنونی منجر به آسیب هائی می شود که دامن نسل های آتی را نیز می گیرد.اگر یک بحران ودرهم ریختگی اقتصادی در چند ده سال قابل علاج باشد، پدیده های فرهنگی برای تغییر به بیش از یک قرن نیازمند خواهند بود.

اگر با مسامحه علیت حلقوی را نادیده بگیریم و فقط به سیستم اموزش پرورش بسنده کنیم شاید اولین قدم تبدیل تعلیم وتربیت به پداگوژی خواهد بود تا خروجی ان، بازتاب لایه های عمیق انسانی شود.تجربه یکتایی و بی مانندی انسان در وحدت ویگانگی با خویشتن وجهان.

انجمن آموزش و پرورش تطبیقی ایران

وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران
پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
اولین همایش ملی
«آموزش و پرورش، ارتقای بهره وری، چالش ها، راهبردها و راهکارها»
محورهای همایش:
محور ۱: مفهوم شناسی و مبانی نظری بهره وری در آموزش و پرورش
جایگاه بهره وری تعلیم و تربیت در آراء و اندیشه های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
مدل مفهومی بهره وری در آموزش و پرورش ابعاد وشاخص های آن
مفهوم شناسی بهره وری در آموزش و پرورش
بررسی تطبیقی بهره وری در آموزش و پرورش
محور ۲: بهره وری در نظام آموزش و پرورش
سند تحول بنیادین وارتقای بهره وری آموزش و پرورش
آینده پژوهی بهره وری در آموزش و پرورش
الگوهای ارتقای بهره وری در آموزش و پرورش
نظام تربیت معلم (مربی) وارتقای بهره وری آموزش و پرورش
نظام جامع فنی حرفه ای و ارتقای بهره وری آموزش و پرورش
بهره وری در مدیریت و رهبری آموزش و پرورش؛ مسائل،چالش ها و راهکارها
بهره وری در منابع انسانی آموزش و پرورش؛ مسائل،چالش ها و راهکارها
بهره وری در پژوهش، برنامه ریزی درسی وآموزشی؛مسائل،چالش ها وراهکارها
بهره وری در فضا و تجهیزات آموزش و پرورش؛ مسائل،چالش ها و راهکارها
طراحی واستقرار مدل بهره وری مدرسه ؛ مسائل ،چالش ها وراهکارها
نقش سایر دستگاه های اجرایی کشور در ارتقای بهره وری آموزش و پرورش
لایحه بودجه و برنامه هفتم توسعه ، ارتقای بهره وری آموزش وپرورش ،چالش ها وراهکارها
محور ۳: آموزش وپرورش و بهره وری ملی
نقش آموزش و پرورش درارتقای بهره وری اقتصادی کشور با تاکید بر مهار تورم و رشد تولید
نقش آموزش و پرورش دربهبود سبک زندگی اسلامی ایرانی واصلاح الگوی مصرف
نقش آموزش و پرورش در ارتقای بهره وری فرهنگی ،اجتماعی وسیاسی کشور
نقش آموزش و پرورش در ارتقای بهره وری دستگاه های اجرایی کشور
نقش آموزش و پرورش در ارتقای بهره وری نظم ،امنیت و دفاع ملی
مهلت ارسال مقالات: ۲۰ مرداد ۱۴۰۲
وبگاه: hamayesh.teo.ir
رایانامه: tahghighat۱۴۰۰@medu.ir
شماره تماس دبیرخانه همایش: ۵۵۳۲۶۳۳۱-۰۲۱